

-امرا، سعود، ایران و انقلاب بزر



تاریخ شمشیر نیست، برای همیشه بالا سرها برافراشته شده باشد. آلمان و فرانسه از در خون داشتند. همین ماجرا در حافظه انبره و روس-تره سر برایش ده جنداشته‌اند، حاشده است. تاریخ بیمار قابل علاج است با مرور و در درس‌هایش. میتوان زخم‌هایش را انسمان رد و آثار سماش را رفت. اه. میتوان روایت‌هایش را دست‌ار رد و سرشان را اول مالد. در مقابل جغرافیا حم است ضرور. سرنوشته تان نم‌خورد. همساعات را به اختار انتخاب نمود.

ان سرنوشت خاورمانه است. عرب، فارس، تر و رد. ادان، مذاهب، زاده‌ها و زخم‌هاینه و نو. حافظه‌هاین و معدن‌ها از رؤاها و ناامها. روه‌ها ه زست‌هاشان بر آنها تندی و مرتب رؤا امراطورها شدند. به ش رفتند، ورش بردند، جندند، روز شدند و فرمانروا شدند. س از آن روبه سست نداشتند و به قهقرا رفتند و با ناامها به درون نقشه‌ها ه اه آنها را غل و زنجر و زندان تذب حساب مآورند. اه و باه، اندشه، انقلاب و فرمانروا ظهور مند و تلاش‌ها انتقام ونه از تاریخ مبینم. تاریخه نونال امراطورها و روه‌ها حذف دران اغر رنو در دست رفتن زمام امورشان راده. همین سرنوشت خواسته ه خاورمانه هارراه مان قاره‌ها باشد و سرزمنش ثروت‌ها در خود داشته باشد هوس انز و الاها ه امنت‌شان برا امنت اقتصاد. جهاد ضرور به شمار مآد.

بحران نود خلیج روداد سطح و ذرا نیست و نمیتوان آن را به روارو مان واشنتن و تهران خلاصه رد. بحراذ عمق مان ایران و همسانش است. همین مسائل داخل، منطقه‌ا و بن‌المللا در هم آمخته شده‌اند. ان فته اف نیست ه س نم‌خواهد وارد جند بشود. انجا مشلا دشوار و عمق وجود دارد ه بحران مزاد و میتوان آن را سخت تفاهم با ایران نمود نامد. ایران اه و باه اعلام مند ه خواستار همزست مسالمت آمز با همسانش است و آماد دارد با آنها به تفاهم برسد و منافع همه اطراف تأمین شود.

اما ان دلماسه ستره‌اش از لبخنده‌ها محمد خاتم تا خنده‌ها محمد جواد ظرف ادامه داشت، نتوانست شورها منطقه را متقاعد کند ه ان صرفا وشش بر ساست واقع نیست ه «ساه اسداران» اجرا مند؛ همان ساست همش و وسته انقلاب بر اساس موازنه قوا سنت مان ساختارها خاورمانه است.

انقلاب خمذ از زمان روز طرح انقلاب بزر را شروع رد ه هدفش تبدیل ایران به شور بزر در منطقه است، قدرته بر سرنوشت و امنت و ثروت‌های مسلط شود. در ان مسر، ایران سه مانع ش روره خود مدد: مانع اول حضور امرا در منطقه است. تهران در ان خال بوده با اجاد رخنه در تره الات متحده بر منطقه برافراشته، راه اره برا شورها ان منطقه نماند جز سرشدن جام زهر و نرفتن نقش مسلط ایران. مانع دوم وجود نظام صدام حسن بوده نظام اراد را نار ساخت به جا خزدن به سمت منطقه، سررم دفاع از سرزمنش بشود. مانع سوم وزن خلیج، عرب، اسلام و بن‌المللا سعود است. س از سقوط صدام حسن، ایران ام‌ها انقلاب بزر را براستن از نفوذ امرا در منطقه و محاصره سعود از نند سمت برداشت.

انقلاب بزر بر آرزوخانه مت‌بوده مان ادثولو و اسلحه و مال جمع مرد. انونه بود ه به وسله برون شدن اقلتها شعه از ساختار ملا و آمختن آنها در برنامه و لافقه، همنن با ابزار ملشا و ارتشها و متحر و موشها و هواماها بدون سرنشن نقشه‌ها درده، مرزها برده شد و تهددها در شل رفت. ان موشها قصدشان استن از اهمت استراتشورها بوده هدف قرار مرفتند. انونه آنها را قانع مساختند در صورت مخالفت با انقلاب بزر و ارشدن راه آن دست به خطر مزند

ان سخن ند سال ش نوشته مشد، سر ادا مرده آن را اغراق آمز بخواند. اما بذارد با واقعتها رو به رو بشوم. همزماذ حمله اخر حوژها به تأسسات سعود مسئله شناخته شده را نشان داد ه نقش حوژها به دقت در آشزخانه «ساه اسداران» شده شده است. حلقه‌ها انقلاب ناز به دلل ندارد. انرا لها «ساه» خود به هار اتخته تفاخر منند ه به نظر آنها در رخه فلان مردند. دنبال ننده حوادث به آساز در مابد، دولت عراق بدون موافقت تهران تشل نمشود. داستان بروت نز همن است. در سوره تحولات مداذاران را ناز ساخت شر ارقب روس را بنرد

شهروند عرب به ان صحنه ناه مند و خود را در برابر انقلاب وسع مبند. شرط ثبات واقع در منطقه مستلزم آن است ه من در دست منها باشد و آنها اولن و آخرن سخن را در باره سرنوشتشان بوند؛ من برا منها. عراق از آن عراقها. سوره برا سورها، لبنان مال لبنادها. به هوجه طبع نست ه سفر ایران دران شورها قوتر از نخست وزر آن شورها باشد و نرال قاسم سلماذ خلقوتر از انرا لهاشان

دونالد ترام با خروجش از توافق هسته، رونده سلو اراد را به تمام شود. مثل شورها منطقه با ایران ش از آنه به بلند رواها هسته اش باشد، به انقلاب بزر آن بر مردد. اروا نز نران برنامه موش است. واشنتن سخن از نخها مود ه تهران را به روهها ترورست وصل مند از جمله «القاعده». نجانندن «ساه اسداران» در فهرست روهها ترورست امرا، ناهها را متوجه ساست ب ثبات ننده ساخت ه تهران تولد مند

بحران نوذدر خلیج از ثمرات اعتراضات به انقلاب بزر است و تلاش برا متوقف ساختن و منع آن از انتقال به حلقه‌ها جدید. در ان راستا شاد بتوان تصمم سعود و شورها خلیج در موافقت با بازردندن حضور نروها امرا به آبها خلیج عرب و برخشورها را فهمد. در ساه حملات اخر حوژها دراروب انقلاب بزر متوان دعوت سعود از سرالاز نشستها خلیج، عرب و اسلام در مه مرمه را تبلور موضع واضح آن فهمد ه امروشن برا ایران دارد با ان مضمون ه باد برنامه‌ها نران ننده شورها منطقه را متوقف سازد. ان امها ز منه ساز جذ نستند ه همه مدانند هزینه براست. هدفشان متقاعد ساختن ایران است ه ادامه هجومه انقلاب بزر به راه انداخته، آن را در برابر فشارها بسابقه قرار مدهد ه اقتصادش را از تأمن مال برنامه ستردهاش برا اجاد ب ثبات محروم مسازد

منطقه نمتواند بر لبه جذ همش زندند. ان شدن قتله تنش با دست شدن ایران از انقلاب بزر صورت مرده در منطقه به راه انداخت. شورها منطقه نمتوانند تجاوز به مرزهاشان با موش و ملشا و هواما بدون سرنشن را بنرند. امرا نمتواند بنرد ه تنهها و آبراههاروان «ساه اسداران» تبدل شوند. تعدل توازنها نظام، تهران را در برابر زنه روشن قرار مدهد؛ ا تا دورترن نقطه ماجراجو برودا به مز مذاره و با توهما متبر بررد. اقدامات قاطع در خلیج تلاش برا انقلاب است عله انقلاب بزر ه بر تصمم ر اتختها را مصادره رد و به نقشه‌ها تعد نمود و سرماهها را نابود ساخت